

## **Title: Ethical Components of Religious Propagation in Responding to Doubts**

---

**Alborz Moghagheh Garfami<sup>1</sup> & Mahmoud Marvian Hosseini<sup>2</sup>**

---

Received Date:2023/12/17

Accepted Date: 2023/09/28

Religious propagation utilizes various methods to convey its message, and one facet of this communicative effort involves defending religious principles through responding to doubts. To achieve this, a combination of diverse scientific and ethical approaches is necessary. On the other hand, attention to the conduct of the infallibles (peace be upon them) in facing doubts plays a crucial role in organizing the process of addressing them. This research, using a descriptive-analytical method and drawing on documentary sources, aims to identify the ethical prerequisites of responding to doubts. Initially, concepts such as doubt and the ethical prerequisites of doubt analysis are precisely defined. Furthermore, the necessity of responding to doubts utilizing ethical components is discussed. In the subsequent phase, ten of the most frequent ethical requirements for addressing doubts are outlined under the following titles: observing the etiquette of speech, active listening, respecting the audience, adopting a question-and-answer approach, practicing moderation, non-tolerance in fundamental religious matters, humility in the face of scientific and behavioral challenges, commitment to persuading the audience, attention to freedom of expression, and suspension of judgment on beliefs.

**Keywords:** Propagation, Doubt, Ethics, Hadith, Infallibles (a.s).

- 
1. Master of Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Forth Level Seminary Student of Howzah/ corresponding author (mohagheh.gr@gmail.com).
  2. Assistant Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (marvian.m@gmail.com).

## العناصر الأخلاقية المرتبطة بالدعوة الدينية في مجال الإجابة عن الشبهات

البرز محقق كرفمي<sup>١</sup> و محمود مرويان حسيني<sup>٢</sup>

القبول: ١٤٤٥/٦/٣

الإستلام: ١٤٤٥/٣/١٢

تتم الدعوة الدينية من خلال الأساليب المختلفة المؤدية إلى نقل الرسالة. ومن مجالات الدعوة الدينية، هي الدفاع عن التعاليم الدينية المتحققة في إطار الإجابة عن الشبهات. ويجب استخدام الأساليب العلمية والأخلاقية المختلفة من أجل بلوغ هذا الإطار. هذا ويلعب الاهتمام بسيرة المعصومين<sup>عليه السلام</sup> في مواجهة الشبهات دورا هاما في تنظيم مسار الإجابة عن الشبهات. يبغي هذا البحث العثور على الواجبات الأخلاقية للموضوع المطروح، عبر المنهج الوصفي. التحليلي ومن خلال استخدام البحث المكتبي. وصولا إلى هذا الهدف، في الخطوة الأولى جرى تعريف مفاهيم كالشبهة والمزومات الأخلاقية في دراسة الشبهة بشكل دقيق، كما تم تبين ضرورة الإجابة عن الشبهات باستخدام العناصر الأخلاقية. وفي الخطوة التالية طُرح عشر نقاط أكثر شيوعا من بين المزومات الأخلاقية للإجابة عن الشبهات وهي على النحو التالي: مراعاة آداب البيان، وحسن الاستماع، واحترام المتلقي، واتخاذ منهج التساؤل والإجابة، والرفق، وعدم التسامح في القضايا الدينية الأساسية، والتواضع تجاه الأخطاء العلمية والسلوكية لدى مثير الشبهة، والالتزام باقتناع المتلقي، والاهتمام بحرية التعبير، وتعليق العقائد.

الكلمات المفتاحية: الدعوة، الشبهة، الأخلاق، الحديث، المعصومون<sup>عليه السلام</sup>.

١. طالب المستوى الرابع في الحوزة العلمية بخراسان، مشهد، إيران/ الكاتب المسؤول (mohaghegh.gr@gmail.com).

٢. الأستاذ المساعد في جامعة العلوم الإسلامية الرضوية، مشهد، إيران (marviyan.m@gmail.com).

# مؤلفه‌های اخلاقی تبلیغ دین در حوزه پاسخ به شبهات

البرز محقق گرمی<sup>۱</sup> و محمود مرویان حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۶

## چکیده

تبلیغ دین با بهره از روش‌های گوناگون انتقال پیام صورت می‌پذیرد. یکی از عرصه‌های تبلیغی، دفاع از آموزه‌های دینی است که در قالب پاسخ‌گویی به شبهات سامان می‌یابد. برای رسیدن به این قالب، بهره از روش‌های گوناگون علمی و اخلاقی بایسته می‌نماید. از سوی دیگر توجه به سیره معصومان<sup>ع</sup> در مواجهه با شبهات، در ساماندهی فرآیند پاسخ به آنها بسیار نقش‌آفرین است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره از منابع اسنادی به دنبال یافتن بایسته‌های اخلاقی موضوع مذکور است. بدین منظور در گام نخست، مفاهیمی چون شبهه و بایسته‌های اخلاقی شبهه‌پژوهی به دقت تعریف شده و ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات با بهره از مؤلفه‌های اخلاق محور تبیین گشته است. در گام پسین، ده مورد از پُربسامدترین لازمه‌های اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات با عناوین ذیل سامان یافته است: رعایت آداب سخنوری، حُسن استماع، احترام به مخاطب، گزینش رویکرد پرسش و پاسخ، مدارا‌مداری، عدم تسامح در امور بنیادین دین، فروتنی در برابر ناروایی‌های علمی و رفتاری شبهه‌گر، تعهد به اقناع مخاطب، توجه به آزادی بیان و تعلیق عقاید.

**واژگان کلیدی:** تبلیغ، شبهه، اخلاق، حدیث، معصومان<sup>ع</sup>.

۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان/ نویسنده مسئول (mohaghegh.gr@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد (marvian.m@gmail.com).

## مقدمه

آغاز پیام اسلام با عبارت «یا ایها المدثر فم فأنذر» (مدثر: ۲-۱) سبب شد نخستین پرتو طلوع خورشید اسلام با تبلیغ دین توسط رسول خدا ﷺ بر جان‌های بشر تابیدن گیرد. آغازشدن جنبه عمومی اسلام با تبلیغ، نشانگر اهمیت این عنصر ارتباطی در نظام معارف اسلامیست. فرازمندی تبلیغ دین و آگاهانیدن مردم تا بدانجاست که پرودگار متعال، بهترین بندگان را برای راهبری و ارشاد مردم برگزیده است. موضوع تبلیغ در اسلام به شکل امر و جوبی در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) بیان شده است. همچنین نجات معنوی یک انسان، نجات انسانیت شمرده شده است (مائده: ۳۲). در آیات دیگری مانند «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا» (فصلت: ۳۳)، تبلیغ دین الهی، بهترین گفتار بشری دانسته شده است. وجود آیات در بردارنده عبارت «یا ایها الناس» بیانگر مخاطب‌گزینی عمومی قرآن کریم در پهنه گیتی است؛ بر همین اساس رسول خدا ﷺ پس از استقرار حکومت اسلامی در شبه جزیره، در سال ششم هجری به سران جهان نامه نوشت تا ایشان را به حکم آیه «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸) به اسلام دعوت کند.

فرآیند تبلیغ دینی همانند هر روند علمی و کنشی دیگر نیازمند بهره‌وری از بایسته‌هایی است که آن را به نقطه بهینه سودهی کند. در یک تقسیم‌بندی فراگیر مبتنی بر روش، تبلیغ دین و دعوت به معارف آن با دوروش عملی و گفتاری صورت می‌پذیرد. در دعوت عملی، پای‌بندی مبلّغ به رفتارهای برآمده از آموزه‌های دین، سبب الگوسازی برای تشویق مخاطبان به فهم و کاربست این آموزه‌ها می‌شود. این روش از جهت علم‌شناسی در حوزه اخلاق عملی جای می‌گیرد. تبلیغ گفتاری نیز تبیین معارف دینی به گونه‌ای استوار است. در این روند، وجود برخی مؤلفه‌ها در سه حوزه پیام تبلیغی، مبلّغ و روش تبلیغی بایسته می‌نماید. یکی از روش‌های تبلیغ گفتاری دین، پاسخ‌گویی به شبهات دینی است. این روش معمولاً در مواردی به کار می‌رود که آموزه‌ای به گونه‌ای ناستوار در ذهن‌ها جای گرفته است و همین ناستواری سبب حیرت‌زدگی فرد می‌شود.

سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش‌شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، سعی در دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات جلوه‌گر است. پاسخ‌گویی به شبهات در قامت یکی از روش‌های تبلیغ دین، خود نیازمند بهره‌بردن از قواعد عمومی، گفتاری و علمی است (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۷). کاملاً روشن است که ضابطه‌مندکردن این قواعد در توفیق بیشتر مبلّغان در امر پاسخ‌گویی به شبهات و دفاع از دین، بسیار نقش‌آفرین

خواهد بود؛ براین اساس پژوهش حاضر در رده تحقیقات کاربردی دانش حدیث با گرایش شبهه‌پژوهی دینی قرار دارد که از این جهت با مفاهیم مندرج در روش‌شناسی‌های نوین علم کلام پیوند می‌خورد. هدف پژوهش حاضر، پی‌ریزی اسلوبی اخلاقی در مواجهه با دگراندیشان شبهه‌گر و شبهه‌پذیر است تا از این رهگذر بتوان پاسخ‌گویی به شبهات را در روندی مستند به آراسته‌های اخلاقی سامان داد.

گفتنی است معصومان<sup>ع</sup> افزون بر بهره از روش‌های ظاهری برای پاسخ‌گویی به شبهات، به واسطه برخورداری از آگاهی‌های غیبی، از روش‌های ویژه مقام عصمت نیز بهره می‌بردند؛ برای نمونه گاهی بدون بر زبان آوردن شبهه توسط شبهه‌گر، به پاسخ‌گویی اقدام می‌کردند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۴/ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۷۱/ حسینی قزوینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۸). به نظر می‌رسد روش‌های مبتنی بر مسائل شهودی و مخاطب قراردادن فطرت و جان مخاطب، نیازمند بهره‌مندی از آگاهی‌هایی مختص معصومان است که از دسترس عموم افراد خارج می‌باشد؛ از این رو نمی‌توان این موارد را در رده روش‌های علمی یا بایسته‌های اخلاقی عمومی جانمایی کرد.

نگاشته‌های فراوانی موضوع روش‌های گفت‌وگو، مناظره و جدل از منظر اسلام را دست‌مایه پژوهش خود قرار داده‌اند. شیخ سیدمحمد طنطوری در کتاب *أدب الحوار فی الإسلام*، از روش‌های متفاوت گفت‌وگوی تبلیغی با اهل کتاب، منافقان، دانشوران، انسان‌های نیک‌سیرت و کژرفتاران سخن گفته است. کتاب *ارزشمند الحوار، آداب و ضوابطه فی ضوء الكتاب والسنة* به کوشش یحیی بن محمد زمزمی با تقسیم آداب گفت‌وگو و مناظره به دو رده شخصی و علمی، گونه‌های فراوانی از هر یک از این دو حوزه را برشمرده است. کتاب *أصول الحوار و آداب فی الإسلام*، به خامه صالح بن عبیدالله بن حمید درهمین راستا قابل ارزیابی است. مقاله «قواعد الحوار مع الآخر فی القرآن الکریم» نوشته رنده فؤاد حصاونه، مواردی چون عزت نفس، اخلاص، صدق نیت و آمادگی برای پذیرش حق را آموزه‌های قرآنی گفت‌وگو در حوزه نفس می‌داند (حصاونه، [بی‌تا]، ص ۲۰۰-۲۰۸). در بخش قواعد لفظی نیز از کلام ملایم، راست‌گویی و شفاف‌گویی سخن رانده است (همان، ص ۲۰۹-۲۱۸).

کتاب تبلیغ، مجموعه‌ای از بیانات استاد علیرضا اعرافی است که به تبیین فرصت‌ها و آسیب‌های تبلیغ، وظایف و ویژگی‌های مبلّغان و تبلیغ بین‌المللی با عنایت به نظام مسائل روز پرداخته است. دو مقاله «بایسته‌های اخلاقی و روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیره امام صادق<sup>ع</sup>» و

«بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ‌گویی به شبهات در سیره رضوی» به قلم محقق گُرمی و همکاران، در تبیین روش‌های اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات، رویکرد اجمال‌گویی را برگزیده‌اند و در بیان مصادیق فقط بر سیره امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام متمرکز بوده‌اند. حسن بوسلیکی نیز در مقاله «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش‌ها و معضله‌ها» به دنبال یافتن ارزش‌های اخلاقی متناسب با آسیب‌های عصری در حوزه تبلیغ است و تمرکز خود را بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی قرار داده است.

با وجود همه این تلاش‌ها نوشتار جامعی که در بردارنده ویژگی‌های گوناگون یک پاسخ‌گو در حوزه رفتار، معرفت‌شناسی و روش‌گزینی در فرآیند پاسخ به شبهات باشد، یافت نمی‌شود. نوشتار حاضر با درک این کاستی، به دنبال تبیین بایسته‌های رفتاری و گفتاری تبلیغ دین با رویکرد پاسخ به شبهات است و از نظر دسته‌بندی منطقی، در برداشتن روش‌ها و سپهرهای گوناگون شناختی دارای نوآوری ارزیابی می‌شود. این پژوهش تأکید دارد بایسته‌های اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات، در موارد مندرج در این جستار منحصر نیست. کمیّت موارد یادشده، ارتباط معناداری با میزان مورد قبول در یک مقاله تحقیقی دارد؛ بر همین اساس بایسته‌های پژوهش‌های دیگری در استظهار موارد نوین از سیره معصومان علیهم السلام سامان داده شود و ازسویی لغزش‌های پژوهش حاضر را باز نمایند.

## ۱. مفاهیم و انگاره‌های بنیادین

پیش از آغاز بحث، شایسته است مفاهیم بنیادین نوشتار حاضر و دیدگاه برگزیده درباره هر یک، تبیین گردد؛ از این رو به مفهوم‌شناسی دو اصطلاح تبلیغ و شبهه پرداخته شده است.

### ۱-۱. تبلیغ

واژه تبلیغ، مصدر ثلاثی مزید از ریشه «بَلَّغَ» به معنای رسانیدن است. لغت پژوهان آن را به معنای رسیدن به پایان چیزی یا نزدیک شدن به آن پایان دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۵)؛ بر همین اساس با واژه وصول که به معنای رسیدن کامل است، تفاوت دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۶۰). در اصطلاح نیز به معنای رساندن مجموعه اطلاعاتی به مخاطب به منظور اقناع و برانگیختن احساسات او به سود یا برضد یک موضوع است (الویری، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۴۴۸). برخی نیز تبلیغ را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

بهره‌گیری کم و بیش عمدی، نظام‌مند و طراحی‌شده از نمادها به تاسی از رفتارهای منبع ارتباطی

که توسط فنون ارتباطی مناسب با هدف ایجاد تحکیم و تغییر عقاید، ارزش‌ها و درنهایت رفتار دینی افراد انجام می‌شود (سیلان اردستانی، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

قرآن کریم با بهره‌وری از مشتقات ریشه بلغ به تعداد ۷۷ مرتبه، اهداف تبلیغ را این‌گونه برمی‌شمارد: احیای انسان (انفال: ۲۴)، هدایت‌یابی (شوری: ۵۲) و رستگاری (غافر: ۴۱). محتوای تبلیغ انبیا نیز مواردی چون تبیین توحید، نبوت، کتب آسمانی و رسالت، معاد، دعوت به فضایل اخلاقی همچون صبر، توکل، توبه و همچنین دعوت‌های اجتماعی مانند برپایی عدالت و دوری از تفرقه‌اند (ر.ک: مؤمنون: ۱۱۵ / حدید: ۸ / احقاف: ۳۱-۳۲ / بقره: ۲-۳ و ۱۸۳ / اعراف: ۱۲۸ / شوری: ۱۵ / آل عمران: ۶۴).

در یک دسته‌بندی عمومی، تبلیغ دین را به دوره تبلیغ ابتدایی و تبلیغ دفاعی می‌توان افراز نمود. مقصود از تبلیغ ابتدایی، مجموعه‌ای از کنش‌هاست که درصدد انتقال پیام دین برای مخاطبان عمومی است. تبلیغ دفاعی نیز راهکاری برای تبیین مبانی و آموزه‌های دین به نحو پیراسته و استوار برای مخاطبان حیرت‌زده یا احیاناً لجوج است. در این مدل از تبلیغ، مبلغ در قامت مُجیب به‌دنبال زدودن انگاره‌ای نادرست از منظومه معرفتی مخاطب است. با این تعریف، پاسخ‌گویی به شبهات، گونه‌ای از تبلیغ دفاعی شمرده می‌شود. از منظر دانش منطق نیز شبهه‌سازی و پراکندن آن در رده مغالطات صناعات خمس می‌گنجد و پاسخ‌گویی به شبهات، ریشه در بخش برهان این صناعات دارد.

## ۱-۲. شبهه

شبهه بر وزن فُعله برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته‌شدن حق با باطل، مانده حق (به‌مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۴ / ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۳ / صالح، ۱۳۸۶، ص ۸۱). این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چیستی و چگونگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۳)؛ پس هرگاه پدیده‌ای بیهوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار درآورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد؛ از این‌رو آن پدیده نادرست را شبهه گویند.

هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها، روند استدلال و نتیجه‌گیری است؛ برای نمونه برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل می‌شود و غرض از آن اثبات حق است. دستگاه شبهه‌سازی دچار اختلال در دست‌کم یکی از مؤلفه‌های پیش‌گفته است که بر

نوعی استدلال یا برهان نیمه تمام استوار خواهد بود. ارکان شبهه عبارت اند از: «حقیقت»، «مشابه حقیقت»، «وجه مشابهت» و «میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب خطا می گردد». در علم کلام، شبهه را این گونه تعریف کرده اند: «ارائه دلایل فاسد و توجیهاات نادرست به منظور حق جلوه دادن باطل و برعکس» (برنجکار، ۱۳۹۸، ص ۱۸۰). از آنجا که شبهه همیشه از طریق عبارات کلامی منتقل نمی شود، این تعریف کامل نیست؛ براین اساس هر انگاره استدلال گونه ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه های دینی را به چالش می کشد یا سبب کج تابی در شناخت درست آنها می شود، شبهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست، بلکه شبهه استدلال است که منطقی می نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال های نادرست، درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است (محقق گرفمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹۱). تلبیس، فتنه، مغالطه، اضلال، مراء و جدال نیز گاهی در معنای شبهه به کار می روند.

### ۱-۳. بایسته های اخلاقی پاسخ به شبهات

منظور از بایسته های اخلاقی پاسخ گویی به شبهات در نوشتار حاضر، مجموعه ای از کنش ها و گفتارهاست که بر اساس آگاهی از روان شناسی، جامعه شناسی، شناخت روحیه مخاطب و شنونده بیرونی، جریان های سیاسی و... با استفاده از منابع دینی به شکل روش های اخلاق محور و رفتارهای عملی نمود می یابد. این روش ها با متن شبهه، ارتباطی مستقیم ندارند، ولی به شکلی غیر مستقیم بر روند حل شبهه نزد مخاطب و اقناع او اثر بخش خواهند بود. شمار فراوانی از آیات قرآن در بردارنده احتجاج و کلام همراه با برهان در موضوعاتی چون توحید، عدل، نبوت و معاد در مقابل ناباوران و شبهه گران است. اشاره قرآن کریم به بایستگی و نیاز به جدال احسن (نحل: ۱۲۵)، نشانه ای بر تشویق برای یافتن اسلوب و الگوی متناسب علمی، گفتاری و رفتاری در پاسخ گویی به شبهات و گره های ذهنی و عملی است. نیک روشن است که کاربست این الگو برای تبیین حق و مرزبانی از باورهای دینی بسیار بایسته می نماید.

### ۲. بایسته های اخلاقی تبلیغ

در این بخش به مهم ترین و پُربسامدترین بایسته هایی که پژوهش حاضر آنها را در قامت لازمه های اخلاقی شبهه پژوهی ارزیابی می کند، پرداخته می شود.



## ۲-۱. رعایت آداب شفاهی سخنوری

یکی از بُن‌مایه‌های ارتباط اثربخش با مخاطب متحیر و شبهه‌زده، بهره‌وری از سخنان نیک، توجه کافی به مطالب مخاطب و نیز استفاده از لحن متناسب گفتاری است. قرآن کریم در آیاتی آشکارا بر گزینش گفتار نیک در روند ارتباط اثربخش با دیگران، سخن گفته است:

وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره: ۸۳).

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (اسراء: ۵۳).

فَقُلْ هُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (اسراء: ۲۸).

قرآن پژوهان مقصود از این عبارات را سخنان نیکوگفتن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۹۹ / زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۹)، توصیه به انجام دستورات الهی (طوسی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۴۹۰)، نرم‌گویی (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۷۲)، تبیین استوار دلایل در امر دعوت‌گری (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۳۵۵)، پرهیز از کلام خشونت‌آفرین (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۵۸)، دعوت به عمل پسندیده و نهی از کژرفتاری (مراغی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵۹) و کنایه از نیک‌رفتاری با مردم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۹ / صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۶) دانسته‌اند. قدر جامع همه این موارد را در بهره‌گیری از سخن پیراسته از عیوب ماهیتی و ساختاری می‌توان دانست که به‌روشنی مناسبی بیان می‌گردد.

امام پنجم شیعیان در توصیه‌ای خصوصیات مجلس گفت‌وگوی علمی را این‌گونه برشمرده است: «گوش‌فرادادن دقیق، نیک‌گفتاری و پرهیز از پایان‌دادن به سخن مخاطب» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۲). امام صادق علیه السلام کلام بلیغ را این‌گونه توصیف می‌کند: «لَيْسَتْ الْبَلَاغَةُ بِحِدَّةِ اللِّسَانِ وَلَا بِكَثْرَةِ الِهْدْيَانِ وَلَكِنَّهَا إِصَابَةُ الْمَعْنَى وَقَصْدُ الْحُجَّةِ» (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۲)؛ براین‌اساس سخن شایسته و نیکو در بردارنده مؤلفه‌های ذیل است: شیوایی و رسایی، نرمی و ملایمت در عین قاطعیت، استواری و سنجیدگی کلام و پیراستگی کلام از کژی‌های معنایی و ظاهری.

پرهیز از کار بست و ازگان نامتعارف به‌ویژه در مسائل اعتقادی، رویکردی است که درجهت نیکو سخن‌گفتن قابل ارزیابی است. بهره از واژگان و عبارات عرفی درجهت عمق‌بخشیدن به فهم آموزه‌ها در لایه‌های شناختی گونه‌های متفاوت مخاطبان نقش پُررنگی دارد. امام علی علیه السلام نیز پیراستگی سخن از پیچیدگی‌ها را سبب فهم آسان آن برای همه گروه‌های مخاطب و مایه بلاغت کلام دانسته است (لیثی، ۱۳۷۶، صص ۵۶ و ۱۲۴).

امام رضا علیه السلام برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان کرده و از

سخنان رنج‌آور خودداری می‌کرد. نتیجه این رفتار، کاسته‌شدن حرارت و شور شبهه‌گران و تمایل آنها به پذیرش مبانی حق است؛ تا آنجاکه افرادی همچون فتح‌بن‌یزید جرجانی و احمد بن محمد بن زنی به سبب پاسخ‌های دقیق امام به شبهات، از اندیشه نادرست خویش دست شستند و به تشیع گرویدند (ر.ک: حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۹ / طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱).

گزیده‌گویی در کنار پرهیز از بیان سخنان دیریاب و دشوارفهم، یکی دیگر از شاخصه‌های سخنوری مطلوب شمرده می‌شود. معصومان<sup>ع</sup> نیز در مواجهه با شبهات، به رعایت این ویژگی‌ها در گفتار توجه داشتند؛ برای نمونه امام صادق<sup>ع</sup> در مواجهه با شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، پاسخی جز دعوت به اندیشیدن درباره ناتوانی انسان در برابر خالق ارائه نکرد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۴). این گزیده‌گویی در مواردی رخ می‌نمود که شبهه برآمده از تفسیر نادرست آموزه‌های بنیادین اسلام بود. در چنین مواردی توجه‌دادن به نادرستی بنیان‌های عقیده مخاطب، ساختمان شبهه را فرو می‌ریزد و دیگر نیازی به تبیین و تشریح جزئیات و فروع نیست. امام صادق<sup>ع</sup> در توصیه‌هایی به هشام بن حکم، سخن‌پردازی طولانی را نشانگر زودده‌شدن حکمت ارزیابی می‌کند و نتیجه آن را تباهی امور دینی و دنیای شخص می‌داند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۶). ایشان در رهنمودی به شاگردان در هنگامه مواجهه با مخالفان فرمود:

آن چیزی را که نمی‌دانی، مگو و در چیزی که می‌دانی، زیاده‌گویی را رها کن تا موقعیت مناسب بیان آن را پیدا کنی. چه بسا گوینده‌ای که به سبب بیان کلام در موضع نامناسب، به سختی دچار شده و جدال نادانان را برانگیخته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۶۵).

اثر بخشی این روش تا آنجاست که شبهه‌پردازان در مقابل این سخنان، این‌گونه لب به تسلیم و اعتراف می‌گشودند: «بِکَلَامٍ يَسِيرٍ وَ خُطَابٍ قَصِيرٍ يَلْزُمُنَا بِهِ الْحُجَّةَ وَ يَقْطَعُ الْعُدْرَ وَ لَا نَسْتَطِيعُ لِحُجَّتِهِ رَدًّا» (همان، ج ۳، ص ۵۸).

## ۲-۲. حُسنِ استماع

یکی از آداب برقراری ارتباط اثربخش با مخاطب، توجه بایسته به گفتار اوست. حضرت علی<sup>ع</sup> در این باره چنین رهنمودی دارد: «مَنْ أَحْسَنَ الْإِسْتِمَاعَ تَعَجَّلَ الْإِنْتِفَاعَ» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۳). همچنین در آموزه‌های دینی، افزون بر توجه به نعمت بیان، به فضیلت سکوت نیز اشاره شده است: «مَنْ عَلَّمَاتِ الْفَقْهِ الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۹۲). در کتب آداب گفت‌وگو، از این ویژگی با

عباراتی چون «حسن‌الإستماع» (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۲۳۶/کامل، [بی‌تا]، ص ۹) و «أدب‌الإنصات» (ابن حمید، ۱۴۱۵، ص ۳۱) یاد شده است. در مقابل این ویژگی، آسیب تندخویی و پافشاری بی دلیل بر ادعای خویشتن قابل ارزیابی است (ر.ک: حصاونه، [بی‌تا]، ص ۲۱۰).

ابراهیم بن عباس درباره کنش‌های امام رضا<sup>ع</sup> در پاسخ‌گویی به شبهات می‌گوید: هرگز ندیدم که امام رضا<sup>ع</sup> در سخن گفتن به کسی ستم کند و حرف بدی بر زبان آورد. هرگز ندیدم سخن کسی را قطع نماید، بلکه همیشه صبر می نمود تا وی سخن خود را به پایان برساند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۶).

این ادب‌ورزی تا آنجا بود که امام در مقابل هم‌نشینان هرگز به چیزی تکیه نمی زد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۳).

## ۲-۳. احترام به مخاطب و عدم اهانت به مقدسات او

پاسخ‌گویی به شبهات با رویارویی نقادانه همراه است و گلاویز شدن با دیدگاه‌های طرف مقابل را به دنبال دارد. با این حال بهره از فضای احترام‌آمیز، یکی از حقوق شبهه‌گر شمرده می‌شود. پای بندی به خارج نشدن از مرزهای این سپهر، سبب می‌شود شبهه‌گر با نترسیدن از کاسته شدن مقام علمی اش، به آسودگی به بیان شبهه پردازد. همین امر زمینه مناسبی برای حق‌پذیری را در او فراهم می‌آورد. در نگاشته‌های مربوط به روش‌شناسی آداب گفت‌وگو، از احترام به طرف مقابل به عنوان یکی از ویژگی‌های نفسی گفت‌وگو (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۲۶۵/کامل، [بی‌تا]، ص ۱۰) یا «تقدیرالخصم» (ابن حمید، ۱۴۱۵، ص ۳۲) یاد شده است.

گفتمان آمیخته با احترام و پاسداشت مخاطب، یکی از روش‌های برقراری ارتباط عاطفی و روانی با او در جهت تفهیم بهتر مبانی علمی است که قرآن کریم نیز بدان توجه داده است (حجرات: ۱۱). قرآن کریم یکی از محرک‌های انگیزشی لجاجت را اهانت به مقدسات مخاطب می‌داند (انعام: ۱۰۸)؛ چراکه در محیط آمیخته به ناسزاگویی، استدلال‌های علمی و منطقی تأثیرگذار نخواهند بود. توصیه حضرت علی<sup>ع</sup> به پرهیز از کلام ناروا و آمیخته با توهین در بحبوحه جنگ با شامیان (صالح، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳)، نشان از اخلاق‌مداری پیروان راستین اسلام در سخت‌ترین شرایط دارد. شیخ اجل نیز در این باره می‌نویسد: «سنت جاهلان است که چون به دلیل از خصم فرومانند، سلسله خصومت بجنبانند» (سعدی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۶). قرآن کریم، فرعون را یکی از افرادی می‌داند که پس از در مانده شدن در برابر پاسخ‌های استوار حضرت موسی<sup>ع</sup> بر شبهه

وجود پروردگار هستی، به توهین و تهدید روی آورد (شعراء: ۲۹)؛ براین اساس زدوده‌بودن کلام از طعنه، درشت‌گویی، تجریح، تمسخر و گونه‌های کوچک‌نمایی شبهه‌گر، از ویژگی‌های پاسخ مناسب است (ر.ک: ابن حمید، [بی‌تا]، ص ۲۵). پرهیز از به‌کار بردن الفاظ زشت و مسائل ضدارزشی نیز از بایسته‌های تبلیغ مناسب می‌باشد (شریعتی سبزواری، ۱۴۰۰، ص ۶۶).

امامان شیعه<sup>ع</sup> مبانی فکری و آموزه‌های خویش را بر آزادی عقاید، احترام به صاحبان آنها، ترک دشمنی و عدم تحمیل عقیده استوار کرده بودند (آفانوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶) و در سفارشات فراوانی پاس نداشتن حریم مخاطب و فروکاستن منزلت او را ناروا شمرده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۴۳). آنان همچنین به وابستگی‌های مذهبی - عاطفی مخاطبان توجه ویژه‌ای داشتند و در گفت‌وگوهای خود با پیروان مذاهب، سبب تحریک احساسات مذهبی و فرقه‌ای نمی‌شدند.

امام حسن<sup>ع</sup> ویژگی‌های رفتاری رسول خدا<sup>ص</sup> را این‌گونه بیان می‌دارد: «إِذَا التَّقَتِ التَّقَتَ جَمِيعاً خَافِضَ الطَّرْفِ نَظْرُهُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْوَلَ مِنْ نَظْرِهِ إِلَى السَّمَاءِ جُلُّ نَظْرِهِ الْمُلَاحَظَةَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۸۱). بنا بر گزارش یحیی بن عمان، امام حسین<sup>ع</sup> برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های یکی از اعراب صحرائشین، ابتدا او را دعوت کرد تا به مکانی نزدیک‌تر به ایشان منتقل شود. سپس پرسش او را به‌دقت شنید و پاسخ آنها را بیان کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۸۴). بنا بر آنچه هشام بن حکم از دیدار ابوشاکر دیصانی با امام صادق<sup>ع</sup> روایت کرده است، امام<sup>ع</sup> در ابتدای پرسش‌گری وی، او را به همنشینی فراخواند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۵۱). در برخی موارد، این رفتارها در کنار پاسخ‌های مستدل، سبب ایمان آوردن خدانا‌باوران می‌گردید (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۳۴).

در روایتی، حسن بصری به‌عنوان عهده‌دار امور فقهی اهل عراق به محضر امام باقر<sup>ع</sup> رسید. امام<sup>ع</sup> با فرمودن عبارت «بَلَّغْتَنِي عُنْبِكَ أَمْرٌ فَمَا أُدْرِي أَكْذَاكَ أَنْتَ أَمْ يَكْذِبُ عَلَيَّكَ؟» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۷)، با کمال احترام به او فهماند که باور به انگاره‌هایی چون تفویض، در شأن اهل علم نیست. استفاده معصومان<sup>ع</sup> از عباراتی چون «يا أخوا العرب» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲، ص ۳۵ و ج ۴۶، ص ۱۴۲ / طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۳) در مواجهه با سرگشتگان معرفتی، سبب تلطیف فضای گفت‌وگو می‌شد؛ به‌گونه‌ای که شبهه‌گر بدون دغدغه به بیان شبهه خود و دلایل آن می‌پرداخت.

## ۲-۴. گزینش روش پرسش و پاسخ

یکی از روش‌های رفتاری مواجهه با شبهات، استقبال از پرسش‌گری و ترغیب او بدین امر

است. در حوزه مهارت‌های ارتباط مؤثر از این شیوه با نام «همراهی سقراطی» یاد می‌شود. به‌کاربردن روش‌هایی که سبب انگیزش مخاطب برای پرسش‌گری شود و وی را در یافتن پاسخ آنها مشتاق سازد، در سیره معصومان قابل مشاهده است. گفتنی است همان‌گونه که ترغیب به پرسش‌گری طرف مقابل و پذیرا بودن پرسش‌ها، در قامت یکی از بایسته‌های اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات نقش آفرین است، طرح پرسش‌های چندپهلوی سبب ابهام در روند حقیقت‌یابی می‌شود و فضای گفت‌وگو را غبارآلود می‌سازد.

روش‌های تشویق معصومان علیهم‌السلام در اشتیاق‌انگیزی مخاطب تا بدانجا بود که مخالفان را وامی‌داشت با گفتن عباراتی چون «أَوْضِحْ لِي» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۱۹۸) و «سَلِّني عَمَّا بَدَأَ لَكَ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۰/ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۶۷۸)، به‌دنبال یافتن پاسخ برآیند. بنا بر گزارش‌های روایی، عبارت «أخبرني» درخواستی بود که در روند مناظرات و گفت‌وگوهای علمی از سوی افراد ذیل در مقابل معصومان علیهم‌السلام مطرح گشت: طاووس یمانی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۸)، ابن کسوا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۳)، گروهی از یهودیان (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۳)، راهب مسیحی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۵۲)، یکی از مادّه‌گرایان (همان، ص ۲۳۲) و نافع بن ازرق (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۳).

بنا بر نقلی از ابوبصیر، امام باقر علیه‌السلام به پانزده پرسش پیاپی طاووس یمانی در حین زیارت خانه خدا پاسخ گفت. امام علیه‌السلام در ابتدای این گفت‌وگو با فرمودن عبارت «أَدِنَّا لَكَ فَسَلِّ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۸)، وی را به پرسش‌گری تشویق کرد. امام صادق علیه‌السلام در مواجهه با یکی از خدانا‌باوران مصری، از همین روش اخلاق‌محور بهره برد. در جریان این گفت‌وگو، ده پرسش از وی درباره لازمه‌های باورمندی به اصالت مادّه مطرح شد که درنهایت سبب واماندگی شبهه‌گر در اقامه استدلال شد. به‌گواهی گزارش‌های تاریخی، همین امر سبب شد وی پذیرای دین اسلام گردد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۱). بر اساس گزارش‌های روایی فقط یکی از گفت‌وگوهای امام صادق علیه‌السلام حاوی نود شبهه و پرسش پیاپی یکی از خدانا‌باوران است که با حدود ۲۶۰ استدلال امام صادق علیه‌السلام همه آنها پاسخ داده شد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۳۶-۳۵۳).

گزارش حسن بن محمد نوفلی از مناظره امام هشتم علیه‌السلام با دانشوران ادیان و مکاتب، دربردارنده استقبال امام علیه‌السلام برای مناظره با دانشور و رهبر معنوی زرتشتیان آن روزگار است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۱۰). همچنین با وجود پرسش‌های فراوان عمران صابی درباره وجود واحد و بایسته‌های آن، امام علیه‌السلام با فرمودن جملاتی همچون «سَلِّ عَمَّا أَرَدْتَ» و «سَأَلْتُ فَافْتَهُمِ الْجَوَابَ»، او را به

پرسش‌گری بیشتر دعوت کرد. همین رفتار سبب علاقه‌مندی وی به امام رضا<sup>ع</sup> و پذیرش اسلام شد تا آنجا که وی یکی از پاسخ‌گویان شبهات کلامی در مورد توحید گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۳۹). امام رضا<sup>ع</sup> در مواجهه با خداناباوران، با طرح پرسش‌هایی تفکر آنها را به گونه‌ای برمی‌انگیخت تا خود بر یافتن پاسخ‌ها از سوی امام<sup>ع</sup> مشتاق گردند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۹۶).

در مناظره امام رضا<sup>ع</sup> با رهبران ادیان جهان که فضای مناسبی برای تبلیغ اسلام شمرده می‌شد، بهره از روش آزادی در پرسش‌گری را آشکارا می‌توان دریافت. امام<sup>ع</sup> در مواجهه با رهبر کاتولیک‌ها، وی را در طرح پرسش‌ها آزاد گذاشت. ایجاد این فضای باز دینی، جاثلیق را به اندازه‌ای مشتاق کرد که نادانسته‌های خود درباره حواریون حضرت عیسی<sup>ع</sup> را از امام<sup>ع</sup> جویا شد. دعوت‌های سه‌گانه امام هشتم به پرسش‌گری مجدد، برای جاثلیق چنان اثربخش بود که وی از ادامه مناظره با امام خودداری کرد و به برتری علمی و اخلاقی امام هشتم<sup>ع</sup> گواهی داد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۸).

فرمودن عبارت «تسألنی أو أسألك؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۴) به پیشوای یهودیان نیز گواهی بر آمادگی امام هشتم<sup>ع</sup> برای پاسخ‌گویی به هر شبهه‌ای است.

## ۲-۵. مدارامداری

اساس و زیربنای روش هدایت علمی و رفتاری در سیره پیشوایان معصوم<sup>ع</sup> را در عنصر بردباری در مقابل سختی‌ها، گزافه‌گویی‌ها و خواسته‌های مردم می‌توان جست. سخت‌گیری و عدم تسامح دینی یکی از آسیب‌های درون‌دینی است که ضربات فراوانی به هم‌افزایی مذاهب و گفت‌وگوی میان‌ادیان وارد کرده است. قرآن کریم نیز با آزاد دانستن باطنی انتخاب دین (بقره: ۲۵۶)، پیامبران را با اوصافی چون بشیر، نذیر و پیامرسان معرفی کرده است (یس: ۱۷/ سبأ: ۲۸). آیاتی چون «لِكَلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده: ۴۸) و «وَلِكَلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يِنَازَعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ» (حج: ۶۷)، به رعایت ادب اسلامی در برابر صاحبان ادیان، پرهیز از سخت‌گیری‌های بی‌مورد و انتقاد نابجا از مناسک و آداب ایشان رهنمون‌اند. یادکرد این نکته بایسته است که تسامح دینی، هرگز به معنای پذیرفتن همه مبانی، باورها و آداب ادیان و مذاب‌گوناگون نیست، بلکه تنها راهی برای گفتمان‌سازی و توجه به نقاط مشترک بوده و نتیجه مبارک آن، علاقه‌مندسازی دیگر ادیان به اسلام است. به‌رحال تبلیغ موفق نیازمند برخورداری از نگاه تقریبی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳).

امام رضا<sup>ع</sup> یکی از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی را مداراکردن با مردم معرفی می‌کند (کلینی،

۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۳۹) و در پاسخ شبهه یکی از شیعیان درباره چرایی رفتار نیک با والدین مخالف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «برای آنها دعا کن و صدقه بده، حتی اگر حقیقت امامت را نپذیرفته باشند و با آنها سازش کن؛ چراکه پیامبر خدا با رحمت برانگیخته شد، نه با نامهربانی» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۶). مناظرات و نامه‌نگاری‌های امام رضا علیه‌السلام با پیروان دیگر ادیان و حتی مخالفان سرسختی چون سلیمان مروزی، آکنده از خیرخواهی بود و امام علیه‌السلام در نقش پیشوای معنوی و تکوینی همه موجودات، با دلسوزی به دنبال راهنمایی و هدایت گمراهان به سوی حقیقت بود (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۹/احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۲۷۰).

شیخ صدوق نیز یکی از اشعار منسوب به امام رضا علیه‌السلام را که در بردارنده مفاهیمی چون سازش اسلامی و مدارامداری است، این‌گونه گزارش کرده است:

و ذی غلّة سالّمته فقهرتّه      فأقرتّه منی لعفو التّجمل  
و من لا یدافع سیّات عدوّه      یا حسانه لیم یاخذ الطول من عل  
و لم أر فی الأشياء أسرع مهلكاً      لغمر قدیم من و داد معجل

بسا دشمن پُرکینه‌ای که با او سازش کردم و بر وی غالب آمدم. سپس با بخشش ارزشمند او را تکریم نمودم. هرکسی که اعمال ناروای دشمن خود را با نیکی دفع نکند، در بخشش و احسان به‌روش بزرگواران عمل نکرده است و برای زدودن کینه‌های قدیمی، هیچ چیز را از مهرورزی اثربخش‌تر نیافتم (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۵).

## ۲-۶. عدم تسامح در امور بنیادین دین

بنا بر مفاد متون دینی، اندیشیدن و طرح پرسش در همه امور سبب رشد آدمی خواهد شد، ولی پرسش و شبهه درباره کیفیت و جزئیات وجود خالق هستی، تنها سبب تشویش فکری و گمراه‌شدن شخص خواهد شد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۸۳)؛ از همین رو پرسش‌گری در این حوزه ممنوع دانسته شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۹۵). در میان امور بنیادین دین، آموزه توحید و باور به آن زیربنای عقاید و کنش‌های مؤمنانه را سامان می‌دهد. کژفهمی در سپهر این آموزه، سبب انحرافات عقیدتی و رفتاری خواهد شد؛ از این رو بایسته است در چنین مواردی با نهیب و زنهار، شخص را بر نادرستی روش و باورش آگاه کرد. برخی دانشوران بر این باورند که این رفتار، گونه‌ای از خشمگین‌شدن برای یاری حق شمرده می‌شود (زمری، ۱۴۱۴، ص ۲۶۹).

در روایتی از محمدبن مسلم این‌گونه گزارش شده است که امام باقر علیه‌السلام باورمندان به تشبیه

پروردگار به محسوسات را دروغ‌زن و منحرف معرفی کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۶۹). امام کاظم علیه السلام نیز در برابر موضوع تجسم پروردگار با آغازیدن از موضعی تند، پاسخ شبهه‌گر را بیان کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰).

امام هشتم در پاسخ شبهه یکی از حدیث‌پژوهان هم‌عصر خویش به نام ابوقره، درباره تکلم مادی پروردگار با حضرت موسی علیه السلام وی را از بازگویی چنین باورهایی زنهار داد و با فرمودن عبارت: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا تَقُولُ وَمَعَادَ اللَّهِ أَنْ يَشْبِهَهُ خَلْقُهُ أَوْ يَتَكَلَّمَ مَا هُمْ بِهِ مُتَكَلِّمُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۴۴)، پاسخ‌گویی خویش را با هشدار تکان‌دهنده آغاز کرد. باید توجه داشت در فرازهای دیگر همین مناظره، استدلال‌های امام علیه السلام بر براهین عقلی و نقلی استوار بود و فقط به سبب اهمیت مباحث خداشناسی، لازم بود امام انگاره‌های نادرست این سپهر را با هشدار اولیه در هم شکند. همچنین ایشان در برابر شبهات یکی از خدائاباوران درباره جایگاه مکانی پروردگار این‌گونه فرمود: «وَيْلَكَ إِنَّ أَلْدَى ذَهَبَتْ إِلَيْهِ غَلَطٌ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱). این هشدار جدی، زمینه لازم برای نادرستی انگاره برآمده از شبهه را فراهم کرد.

نفرین امام رضا علیه السلام بر باورمندان به راستی انتساب حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (همو، ۱۳۹۸، ص ۱۵۳) نیز نمونه دیگری از این هشدارهاست که انگاره شبهه‌ناک تشبیه آدمی به پروردگار را با چالش روبه‌رو می‌کند. هشدار دادن به عمران صابی با عبارت «سَلِّ يَا عِمْرَانُ وَ عَلَيكَ بِالنِّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجُورَ» (همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۸) برای رعایت عدل و انصاف و پرهیز از گفته‌های ناروا درباره پروردگار، نمونه دیگری از قاطعیت امام علیه السلام در پاسخ‌گویی به شبهات مربوط به توحید است. برخی هشدارهای به‌موقع امام هشتم علیه السلام با کنش‌هایی توجه‌انگیز همچون ضربه‌زدن به پیشانی، نشانگر شدت ناروایی پرسش یا شبهه بود (ر.ک: همو، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

## ۲-۷. فروتنی در برابر ناملازمات رفتاری و ناسنجیده‌های علمی

تواضع و حُسن خلق، بایسته‌های مقدماتی روش پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌ها شمرده می‌شوند (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۱/کامل، [بی‌تا]، ص ۸). در سوی مقابل آن، تکبر در پذیرش حقیقت، تحقیر طرف مقابل گفت‌وگو، روی‌برگرداندن از مخاطب، پی‌جویی تمجید دیگران از خویش و بروز رفتارهای خودبینانه قرار دارد (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۵-۱۷۷). «تکبر» در لغت به معنای خود را بزرگ‌پنداشتن (زاغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۹۷) و در علم اخلاق، برتر دانستن خود از دیگران و تحقیر و خوار دیدن آنهاست. یکی از اجزای اصلی شبکه شناختی شبهه‌گران، کبر علمی



است. خوی متکبرانه زمینه‌ساز روی گردانی از راه کمال و میل به انحراف فکری و عملی می‌شود (اعراف: ۱۴۶). رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّ أْبْرَارَ عِزَّتِي وَأَطَائِبَ أَرْوَمَتِي أَخْلَمُ النَّاسِ صِغَارًا وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَارًا أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۴۰). امام رضا ﷺ تواضع را این گونه تعریف می‌کند: «التَّوَّاضُعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۲۱). مناظره‌کنندگانی که به دنبال اهداف مادی اند، نسبت به هم‌گان خود احساس برتری دارند یا دست کم این گونه می‌نمایند (ر.ک: غزالی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۹).

بنا بر گزارش ابوحمزه ثمالی از ابوالربیع شامی، امام باقر ﷺ در مواجهه با یکی از فرستادگان هشام بن عبدالملک، پذیرای پاسخ‌گویی به پرسش‌های انکاری او شد، در حالی که هشام، به گمان خود با طرح پرسش‌هایی به دنبال کوچک‌نمایی امام باقر ﷺ بود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۵). بردباری امام صادق ﷺ در برابر مخالفان چنان بود که درباره ایشان گفته شده است:

او شخصی بردبار، باوقار، هوشمند و استوار است. انحراف، شتاب‌زدگی و سست‌مایگی در او راه ندارد. به همه سخنان ما گوش فرا می‌دهد و دلایل ما را کاملاً می‌سنجد و سپس پاسخ می‌گوید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۸).

مهرورزی امام رضا ﷺ به همسفران و خادمان و حضور بر سفره طعام آنها در کنار استدلال بر یکسان‌دانستن منشأ خلقت همه آدمیان، سبب زدودن شبهه رفتاری یکی از همراهان حضرت درباره برتری ظاهری افراد گردید (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۲۳). همچنین گزارش رفتار و گفتار نیکوی امام هشتم ﷺ توسط معروف کرخی برای پدرش، سبب زدودن شبهات وی درباره پذیرش اسلام با وجود آیین مسیحیت گردید (مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۶۱).

بنا به گزارشی، سخن سلیمان مروزی در مناظره‌ای که با امام رضا ﷺ داشت، سبب خنده حاضران گردید. امام رضا ﷺ با دیدن این حالت فرمود: «ارْقُفُوا بِمُتَكَلِّمِ خُرَاسَانَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۳). این کلام نشان از مدارای علمی با طرف مقابل دارد. اهمیت این کنش، زمانی آشکارتر می‌شود که نادرستی گفتار شبهه‌گر بر همگان آشکار بوده و سستی ادعای او سبب تمسخر دیگران شده است.

حضور امام در مجلس مناظره‌ای که مأمون سامان داده بود، گواهی بر فروتنی حضرت در مقابل دانشوران ادیان و مذاهب بود؛ چراکه مأمون، امام را میان حضور در قصر سلطنتی یا حضور دانشمندان در محضر امام ﷺ، مخیر کرده بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۴۰۰). امام رضا ﷺ شبهه عباسیان درباره عدم برخورداری امام از شایستگی علمی کافی برای ولایتعهدی را بدون هیچ

اشاره‌ای به توانمندی علمی خویش، فروتنانه پاسخ گفت و فقط به یادکرد پروردگار هستی و ابطال انگاره‌های سنجیت و عینیت میان خالق و مخلوق با براهین استوار پرداخت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۰۰). فروتنی امام در برابر شبهه رهبر مسیحیان به گونه‌ای سبب ایجاد فضای باز علمی شد که وی در حضور دانشوران مسلمان و عالی‌ترین مقام دستگاه سیاسی اسلام، به شبهه‌گری علیه اسلام و نبوت پیامبر ﷺ پرداخت (عروسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۱۳).

## ۲-۸. تعهد به اقناع مخاطب و اشتیاق به هدایت او

از این مؤلفه اخلاقی باعنوان «المحبة رغم الخلاف» (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۷) یاد شده است. این روش افزون بر نشان‌دادن مسیر حقیقت‌یابی، به دنبال ایصال حیرت‌زدگان معرفتی به مطلوب و کشف حقیقت نیز هست. از سوی دیگر این نگره تبلیغی فقط به جنبه تبیین معارف دین توجه ندارد، بلکه اثربخشی بیان آنها را بر هدایت مخاطب پی می‌گیرد. نگرش باز به مسائل، تعهد به تأثیرگذاری در مخاطب، آمادگی برای بازگویی مطالب و توجه‌دادن مخاطب به بازاندیشی در دانسته‌های خود (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۴)، نمونه‌هایی از پای‌بندی معصومان ﷺ برای فهماندن مطالب به مخاطبان است.

بنا بر روایتی، عده‌ای از عامه به محضر امام باقر ﷺ رسیدند و حضرت علی ﷺ را بدعت‌ساز نامیدند. امام باقر ﷺ با درک اینکه وی دچار خطای شناختی شده است، با بردباری به شبهات او پاسخ داد. در این گزارش، یکی از شبهه‌گران با گفتن عبارت «فَأَعَدُّ عَلِيٌّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۳۴۴)، به دنبال راه دیگری برای زدودن تشویش فکری خود بود. امام باقر ﷺ نیز با تبیین دوباره ویژگی‌های امام علی ﷺ، شبهه وی را به کلی زدود.

شیخ صدوق در روایتی پرسش فقهی ابوهاشم جعفری درباره چگونگی نماز شخص مصلوب را با پاسخی به‌روشن تبیین آشکار مطلب از جانب امام رضا ﷺ و دعای ایشان برای فهم پاسخ در اندیشه مخاطب گزارش می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۶). در پایان این روایت، امام ﷺ برای هدایت‌یابی ابوهاشم دست به دعا برداشت که نشانگر مسئولیت‌پذیری ایشان در هدایت مخاطب است. بنا بر گزارش‌های روایی، بسیاری از شبهه‌پردازان علیه آموزه‌های توحیدی اسلام، در برابر پاسخ‌های امام ششم شیعیان و قدرت استدلال آنها، آیین توحیدی را برگزیدند. گزارش‌هایی از توجه امام صادق ﷺ در تربیت علمی ویژه برای برخی از شبهه‌گران (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱۱)، نشانگر تعهد امام ﷺ بر هدایت‌گری مخالفان تا ایصال بر مطلوب است.

در نمونه‌ای دیگر، نوفلی جریان‌های پسا‌مناظره امام رضا<sup>ع</sup> با عمران صابی و پیروزمندی برهان امام را این‌گونه گزارش می‌کند که امام به‌دنبال عمران فرستاد و هدایایی به او بخشید و در مجلسش او را تکریم کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۴۰) و او را به نمایندگی خود در اخذ وجوهات یکی از مناطق خراسان برگزید. وی نیز با اختیار مذهب تشیع، یکی از مدافعان مسائل کلامی گردید (همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۹).

## ۲-۹. تعلیق عقاید

از آنجاکه گاهی میان باورهای بنیادین شبهه‌گر و پاسخ‌گو هیچ وجه مشترکی وجود ندارد، لازم است پاسخ‌گو برای بیان نادرست بودن انگاره شبهه‌گر، در گام نخست مناظره، از اثبات عقاید خود و نیز داوری درباره نادرستی شبهه دست بردارد و در گام پسین با به‌کاربردن قیاس ذوحیدین، برهان خلف و تبیین لوازم و بایسته‌های منطق شبهه، نارو بودن آن را آشکار سازد. این روش که پدیدارشناسی اپوخه (Epokhe) نیز نام دارد، به‌معنای تعلیق موقت عقاید فردی و به‌تعویق انداختن داوری در مورد باورهای طرف مقابل است (فرامرز قوام‌لکی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳).

نمونه‌ای از کاربری این روش را در مناظره امام رضا<sup>ع</sup> با خداناباور منکر معاد می‌توان دید. در این مناظره، امام به‌جای ردّ شبهه او در عدم وجود جهان آخرت، فقط به بایسته‌ها و لوازم باورمندی به معاد و عدم آن اشاره کرد و از داوری ابتدایی درباره عقیده شبهه‌گر و نیز اثبات عقیده خود صرف نظر کرد تا با نمایاندن اصل منطقی و جوب دفع خطر محتمل، نارو بودن معاد ناباوری را به‌اثبات برساند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹۴). نامه امام در پاسخ به شبهه یزیدبن معاویه شامی درباره ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، نمونه‌ای دیگر از کاربری این روش است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۶). ظاهر پاسخ امام در بردارنده دفاع اولیه یا ابطال مستقیم هیچ‌یک از دو انگاره جبر و اختیار مطلق نیست و فقط بر نادرستی بایسته‌ها و لوازم هردو باور متکی است تا راه سومی به نام «امر بین امرین» را پاسخی مناسب بر این گره‌ذهنی معرفی کند.

## ۲-۱۰. توجه به آزادی اندیشه و بیان

تبیین معارف دینی نیز در سپهری به‌دور از تنش‌های برتری‌جویانه شکل می‌گیرد؛ از این‌رو رساندن حس آرامش و امنیت به مخاطب در فضای گفت‌وگو بسیار نقش‌آفرین است. قرآن کریم با توصیه به فراهم آوردن شرایط امن، حس پناه‌جویی و انتخاب آزاد را در مخاطب پُررنگ

می‌سازد (توبه: ۶). یکی از آشکارترین ویژگی‌های پارادیم فرهنگی عصر معصومان، آزادی اندیشه و بیان است. حضور دانشوران غیرمسلمان و نیز فرقه‌های مسلمانان مخالف مکتب اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، بهترین گواه بر وجود آزادی‌های ظاهری فکری و سیاسی در آن روزگار است. برخی از این معیار باعنوان «تمایز نهادن میان فکر و صاحبش» یاد کرده‌اند (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۱). از آنجاکه هدف از پاسخ‌گویی، تبیین حقیقت است، بایسته است تا رقیب را در تغییر دادن نظرات برای دستیابی به پاسخ اقناعی آزاد گذاشت و وی را در چیدمان مقدمات استدلال خویش و تغییر مواضع مختار گذاشت.

بنا بر گزارش نوفلی، امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> پس از مناظره با هر بد، رو به حاضران فرمود: «یا قَوْمُ إِنَّ كَانُ فِیكُمْ أَحَبُّ بِحَالِ الْإِسْلَامِ وَ أَرَادَ أَنْ یَسْأَلَ فَلِیَسْأَلْ غَیْرَ مُخْتَلِئِمٍ» (جزایری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۷۷). پیام این عبارت به‌روشنی، آزادی گفتمان و گفت‌وگوی مخالفان اسلام در اظهار عقاید و شبهات خود به اسلام است.

دعوت امام هشتم به پرسش‌گری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به‌گونه‌ای بود که باورمندان به الوهیت ستارگان و خداناباوران، به‌سادگی شبهات خود را درباره‌ی پروردگار و مخالفت با اسلام در حضور مقامات سیاسی دوران بیان می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۸). توجه به جایگاه سیاسی امام به‌عنوان مقام سیاسی دوم مملکت اسلامی نیز درخور توجه است.

## ۲-۱۱. برخی روش‌های دیگر

افزون بر روش‌های پیش‌گفته، موارد دیگری را می‌توان در قامت آداب و اخلاق تبلیغ دین با محوریت پاسخ به شبهات برشمرد که برخی از آنها در ادامه خواهد آمد؛ برای نمونه انصاف‌مداری در روند تبلیغ دین، یکی از رویکردهای معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> در مواجهه با شبهات است. در کلام معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> یکی از شالوده‌های انصاف، مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر و شریعت پذیرفته‌شده طرف دیگر مناظره است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۸۱). سخن‌گفتن با هر شبهه‌گری بر اساس بایسته‌های زبانی و شناختی متناسب با آنها (همان، ص ۷۵) نیز نمونه‌ای از کاربست این روش است.

یکی دیگر از شاخصه‌های تبلیغ جهانی با رویکرد پاسخ به شبهات، توجه به حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه‌گری درباره آن است. توجه به این نکته بسیار مهم است که ادیان آسمانی به‌واسطه اشتراک در آبخور معارف و آموزه‌ها، جبهه واحدی در برابر خداناباوران و

مکاتب غیرتوحیدی شمرده می‌شوند. تضعیف آنها در برابر جبهه مقابل، اردوگاه همه باورمندان به توحید را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ از این رو پاسداران راستین حریم اسلام، هیچ‌گاه به شبهه‌گری مغرضانه علیه دیگر ادیان اقدام نمی‌کنند، ولی با یادآوری و هشدار نسبت به انحراف‌ها، کج‌روی‌ها، برداشت‌های سلیقه‌ای و تحریف‌ها، در زدودن آنها می‌کوشند؛ بر همین اساس معصومان<sup>ع</sup> در مواجهه با شبهات دیگر ادیان، به انکار مطلق همه آموزه‌های دینی ایشان نپرداخته‌اند و پاسخ‌ها را بر نقاط مشترک ادیان استوار می‌ساختند (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۳۰).

پرهیز از آفات مناظره به‌ویژه مغالطه و مجادله، یکی دیگر از گونه‌های تبلیغ مناظره‌محور است. رفتارهایی چون حسد، دروغ، تحریف انگاره‌ها، خود برتری‌بینی و انواع مغالطات، نمونه‌هایی از این آفات‌اند. با نگاهی به سیره معصومان<sup>ع</sup> می‌توان دریافت که ایشان با رفتار خویش، آفات و کژتابی‌های دو سوی مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات را به حداقل می‌رساندند (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۸ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۷۸). پیشگیری از این آسیب‌ها در گرو احراز شرایط پاسخ‌گویی و مناظره و پای‌بندی به بایسته‌های اخلاقی آن است.

## نتیجه

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، نتایج ذیل را می‌توان دستاوردهای پژوهش حاضر برشمرد: یکی از ارکان تبلیغ، پای‌بندی به بایسته‌های اخلاقی مواجهه با مخاطب است. این مؤلفه در حوزه پاسخ‌گویی به شبهات و رویارویی با مخالفان و حیرت‌زدگان، بر تغییرپذیری درونی مخاطب بسیار اثربخش است.

متون روایی نشان می‌دهد معصومان<sup>ع</sup> علاوه بر پاسخ‌گویی به شبهات، به دنبال هدایت حیرت‌زدگان و شبهه‌گران بوده‌اند.

یکی از عرصه‌های هدایت‌گری، جذب مخاطب با رعایت مجموعه‌ای از آداب اخلاقی است. سه مؤلفه رعایت آداب سخنوری، احترام به مخاطب و نیز حُسن استماع در حوزه ساختارهای اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات قابل ارزیابی‌اند.

در حوزه روش‌های تبلیغ جهانی دین نیز سه رویکرد مدارامداری، عدم تسامح در امور بنیادین و تعلیق عقاید در مواجهه با دگراندیشان سایر مکاتب در سیره معصومان<sup>ع</sup> به چشم می‌خورد.

در گستره روش‌شناختی، برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های تبلیغی عبارت‌اند از: گزینش روش پرسش و پاسخ متناوب، تعهد به اقناع مخاطب و توجه به آزادی بیان.

برخی از روش‌های عمومی به‌کار گرفته‌شده توسط معصومان علیهم‌السلام برای پاسخ به شبهات با رویکرد تبلیغی عبارت‌اند از: انصاف‌مداری، رعایت بایسته‌های زبانی، حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از مجادله.

بنا بر آنچه از گزارش‌های روایی قابل استنباط است، رعایت آداب و اخلاق گفت‌وگویی علمی توسط معصومان علیهم‌السلام سبب تبلیغ اثربخش دین شده و در پاره‌ای موارد، مخالفان را به جرگه پذیرندگان آموزه‌های اسلامی درآورده است؛ از این رو این رفتارها را می‌توان الگوهای راهبردی برای تبلیغ دین به‌شمار آورد.

## منابع

- \* قرآن كريم.
١. آقائورى، على؛ امامان شيعه و وحدت اسلامى؛ قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب، ١٣٨٧.
  ٢. ابن بابويه، محمد بن على؛ الأملى؛ تهران: كتابچى، ١٣٧٦.
  ٣. ابن بابويه، محمد بن على؛ التوحيد؛ قم: جامعه مدرسين، ١٣٩٨ق.
  ٤. ابن بابويه، محمد بن على؛ عيون أخبار الرضاؑ؛ تهران: نشر جهان، ١٣٧٨ق.
  ٥. ابن بابويه، محمد بن على؛ معانى الأخبار؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق.
  ٦. ابن حميد، صالح؛ أصول الحوار و آدابه فى الإسلام؛ مكة: دار المنارة، ١٤١٥ق.
  ٧. ابن شعبه حرّانى، حسن بن على؛ تحف العقول عن آل الرسولؑ؛ تهران: اسلاميه، ١٣٦٦.
  ٨. احمدى ميانجى، على؛ مكاتيب الأئمة؛ قم: دار الحديث، ١٤٢٦ق.
  ٩. اربلى، على بن عيسى؛ كشف الغمّة فى المعرفة الأئمة؛ تبريز: بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
  ١٠. اعرافى، عليرضا؛ تبليغ؛ قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ١٣٩٦.
  ١١. الويرى، محسن؛ مدخل «تبليغ»، دانشنامه جهان اسلام؛ قم: بنياد دائرة المعارف اسلامى، ١٣٨٠، ص ٤٤٨-٤٥٢.
  ١٢. برنجكار، رضا؛ روش شناسى علم كلام؛ ج ٢، تهران: سمت، ١٣٩٨.
  ١٣. بيضاوى، عبداللّه بن عمر؛ أنوار التنزيل و أسرار التأويل؛ بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
  ١٤. جزايرى، نعمت اللّه؛ رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهارؑ؛ بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ١٤٢٧ق.
  ١٥. حرّ عاملى، محمد بن حسن؛ تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة؛ قم: آل البيتؑ، ١٤٠٩ق.
  ١٦. حسينى قزوينى، محمد؛ موسوعة الإمام الرضاؑ؛ قم: مؤسسه ولى عصر (عج)، ١٣٨٧.
  ١٧. حصارونه، رنده فؤاد؛ «قواعد الحوار مع الآخر فى القرآن الكريم»، مجلة الجامعة الإسلامية؛ ش ١٧٤، [بى تا]، ص ١٩١-٢٣٤.
  ١٨. حلّى، حسن بن يوسف؛ رجال العلامة الحلّى؛ نجف: دار الذخائر، ١٤١١ق.
  ١٩. راغب اصفهانى، حسين بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بيروت: دار القلم، ١٤١٢ق.
  ٢٠. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل؛ بيروت:

- دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. زمزمی، یحیی؛ الحوار آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنة؛ مکه: دارالتربية و التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۲. سبیلان اردستانی، حسن؛ «تعریف جدید از تبلیغات دینی»، نشریه مطالعات رسانه‌ای، ش ۳۲-۳۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۲۹-۴۰.
۲۳. سعدی، مصلح‌الدین؛ گلستان سعدی؛ تصحیح غلامحسین یوسفی؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۷۲.
۲۴. شریعتی سبزواری، محمدباقر؛ مناظره و تبلیغ؛ قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۰.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة؛ قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۶. صفار، محمدبن حسن؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد<sup>علیهم‌السلام</sup>؛ ج ۲، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی<sup>علیه‌السلام</sup>، ۱۴۰۴ق.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ آموزش دین؛ تهران: جهان‌آرا، ۱۳۷۹.
۲۹. طبرسی، مفضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۳.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۳۲. طوسی، محمد بن حسن؛ الغیبة؛ بیروت: دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۳. عروسی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۵. فرامرز قراملکی، احد؛ اخلاق کاربردی در ایران و اسلام؛ تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و زرات علوم، ۱۳۸۹.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن؛ الوافی؛ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی<sup>علیه‌السلام</sup>، ۱۴۰۶ق.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمّی؛ ج ۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۹. کامل، عمر بن عبدالله؛ «آداب الحوار و قواعد الإختلاف»، همایش موقف الإسلام من الإرهاب؛ ریاض: جامعة محمد بن سعود الإسلامیه، [بی تا].
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۴۱. لیثی و اسطی، علی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ قم: دارالحديث، ۱۳۷۶.



۴۲. مازندرانی، محمدبن علی؛ مناقب آل ابی طالب<sup>علیهم‌السلام</sup>؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۴. محقق گرمی، البرز و همکاران؛ «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup>»، کلام اسلامی؛ ش ۱۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۸۷-۱۱۴.
۴۵. مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۴۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش عقاید؛ ج ۱۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۴۷. مطهری، مرتضی؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ ج ۶، تهران: صدرا، ۱۳۶۴.
۴۸. مفید، محمدبن محمد؛ الإختصاص؛ قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید<sup>علیه‌السلام</sup>، ۱۴۱۳ق.

